## جلسه 18-84

**چهارشنبه - 09/12/1402**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم ‌الله الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی الله علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به خمس سرقفلی بود که عرض کردیم مشهور فقهای معاصر قائل به وجوب خمس در آن شدند.

البته مالک شدن حق سرقفلی مثل مالک شدن مغازه به لحاظ بحث خمس ارتباط پیدا می‌‌کند با بحث تعلق خمس به آلات کسب و سرمایه. فرق آلات کسب با سرمایه این است که سرمایه را معمولا ما یتجر به می‌‌دانند یعنی آن چیزهایی را که انسان می‌‌خرد تا گران‌تر بفروشد که ارتفاع قیمتش هم بحث می‌‌شود که قبل از فروش خمس دارد یا نه. آلات کسب را انسان به قصد فروش نمی‌خرد: مغازه، وسائل مغازه، ‌این‌ها آلات کسب هستند، ماشین برای کسی که رانندگی می‌‌کند آلات کسب است. اختلاف هست که آلات کسب و سرمایه که سرقفلی هم جزء آن آلات کسب هست، مطلقا خمس دارد که نظر صاحب عروه است یا تفصیل در آن هست. برخی از این تفاصیل را می‌‌گوییم.

تفصیل اول تفصیلی است که مرحوم آقای حکیم ذکر کرده، مرحوم آقای بهجت هم قائل بودند که برخی اگر این سرمایه را که اعم از آلات کسب و رأس المال هست، تعبیر جامع می‌‌کنیم سرمایه، اگر این سرمایه را نداشته باشد منقصت اجتماعی برایش دارد، فرمودند عرفا می‌‌شود مئونه او و خمس ندارد. یک تاجری است اصلا اگر این سرمایه را نداشته باشد این مغازه در بهترین جای شهر را نداشته باشد منقصت اجتماعی است برای او، به عنوان یک تاجر ورشکسته مردم با او برخورد می‌‌کنند فرمودند خمس ندارد.

این را در جاهای دیگر هم بیان می‌‌کنند. مثلا آقای سیستانی هم در تهیه جهیزیه به تدریج برای دختر فرمودند اگر تهیه نکنید عرفا منقصت هست و یک نوع کوتاهی تلقی می‌‌شود در شئون زندگی، ‌این خمس ندارد. الان در عرف ما این‌جور شده اگر پدری تهیه تدریجی نکند جهیزیه دختر را عرف این‌جور می‌‌گوید که تو به فکر آینده دخترت نیستی، عرفا می‌‌شود مئونه. آقای خوئی هم در استفتائات یا در رساله فارسی، قطعا در رساله فارسی و یا استفتائات فارسی هست فرمودند تهیه تدریجی جهیزیه خمس ندارد. حتی دختری که جهیزیه را می‌‌برد خانه شوهر از ما سؤال می‌‌کنند که یک سال استفاده نکرد، ‌ما طبق مبانی معروف که آقای سیستانی و امام قائلند می‌‌گوییم آن مقداری که اگر نبرد خانه شوهر منقصت حساب می‌‌شود برای این دختر، آن وقت شعر برایش می‌‌خوانند: دختری که جهاز ندارد مثلا چی، یخچال ندارد، این منقصت است دیگر. استفاده هم نکند خمس ندارد. اما آن‌هایی که مازاد است، یک چیزهایی که اگر هم نبود منقصت حساب نمی‌شد، ‌آن‌ها را اگر استفاده نکند در آن سالی که رفته خانه شوهر خمسش را باید بدهد.

[سؤال: ... جواب:] حالا هدیه فرض این است که خمس دارد.

البته برخی اشکال کردند و اشکال‌شان هم قوی است و آن این است که گفتند مئونه معنایش این نیست که چیزهایی که اگر انسان نداشته باشد منقصت حساب می‌‌شود، مئونه معلوم نیست معنایش این باشد، آدم اگر پول پس‌انداز هم نداشته باشد یا برنج پس‌انداز برای سال‌های آینده نداشته باشد ممکن است در یک عرفی منقصت حساب بشود، ‌اشکال می‌‌کنند فکر کنم در بحوث فی الخمس هم این اشکال هست می‌‌گویند قدرمتیقن از مئونه آنی است که انسان در مصارف استهلاکیه یا انتفاعیه سال از او استفاده می‌‌کند. این مغازه اگر نبود منقصت بود برای این شخص اما برای این نیازهای زندگی‌اش از این مغازه نه استفاده استهلاکی می‌‌کند نه استفاده انتفاعی که بیا در این مغازه سکونت کند. و لذا اختلاف سر تفسیر کلمه مئونه است که آیا مئونه مطلق ‌شأن انسان است و یا در این امور که ذکر کردیم مطلق تهیه چیزهایی که اگر تهیه نکنیم منقصت هست که نظر آقای سیستانی در این مثال‌هایی از این جهیزیه تهیه تدریجی تهیه منزل یا مئونه کلام مجملی است لفظ مجملی است قدرمتیقنش آن چیزهایی است که انسان احتیاج دارد در زندگی مصرف کند آن‌ها را حالا یا مصرف استهلاکی که بخورد یا مصرف انتفاعی که در زندگی از آن‌ها در طول سال استفاده کند مثل خانه و لوازم خانه. آن وقت حالا این‌هایی که سخت‌گیر هستند و می‌‌گویند مئونه قدرمتیقنش آنی است که انسان در نیازهای در طول سال از آن‌ها استفاده کند یا استفاده استهلاکی یا استفاده انتفاعی در عین حال وقتی می‌‌رسند به لوازم پذیرایی از مهمان یعنی مثل پتو و تشک برای مهمان و یا ظروف پذیرایی از مهمان می‌‌گویند و لو مهمان اتفاقا یک سال هم نیاید مئونه است، می‌‌گویند خود إعداد وسائل پذیرایی از مهمان این مئونه است ولی اگر برنج بخری که شاید مهمان بیاید ولی نیاید باید آخر سال خمسش را بدهد پتو بخری برای این‌که اگر مهمان آمد پتو داشته باشی و مهمان هم نیامد لازم نیست خمس بدهی که یک مقدار فرق گذاشتن بین این موارد با این مسأله انقباضی در مئونه که می‌‌گویند فقط صرف در نیازهای زندگی‌ات اعم از صرف استهلاکی یا صرف انتفاعی که صاحب کتاب بحوث فی الخمس قائل هست یک مقدار فرق‌ گذاشتن بین آن لوازم پذیرایی از مهمان مثل لحاف و تشک و ظروف و این‌ها که آن‌ها هم می‌‌گویند خمس ندارد یعنی ما همه دیدیم گفتند این‌ها خمس ندارد بین این‌ها و بین چیزهای دیگر فرق گذاشتن یک مقدار سخت است.

[سؤال: ... جواب:] برنج هم در معرض استفاده بود مهمان نیامد. فرق بین آن برنج و آن پتو که برای مهمان تهیه کردید یا آن ظروفی که تهیه کردید چیست؟ یک مقدار فرق گذاشتن روی این مبنای انقباضی مبنای سخت گیرانه در صدق مئونه که قائلند برخی، بین معاصرین آقای وحید این نظر انقباضی را دارند در صدق مئونه، شاید احتیاط هم بکنند در یک سری موارد مثل آن جهیزیه دختر ولی بالاخره نظرشان نظر انقباضی است، این‌ها فرقش چیست.

در مقابل این نظر انقباضی یک نظر انبساطی هست منتها انبساط کل البسط، ‌نظر آقای بهجت است و آقای حکیم که هر چیزی که عرفا‌ شأن انسان باشد مثلا پولی است در حساب نبود او منقصت است، نبود این ماشین و لو هیچ استفاده نمی‌کنی منقصت است نبود این سرمایه منقصت است این نظر انبساطی می‌‌گوید خمس ندارد عرفا مئونه است، من اگر این را نداشته باشم نقص حساب می‌‌شود. در عرف زن‌ها باید چند دست لباس داشته باشند، حالا اتفاقا هم استفاده نکردیم از این چند دست لباس ولی اگر کمتر از این داشته باشی یک نوع منقصت عرفیه هست، این می‌‌شود مئونه. این نظر انبساطی این را می‌‌گوید.

یک نکته‌ای هم عرض کنم:

یک فرقی بین این کسانی که نظر انبساطی را دارند هست و آن این است که برخی از این‌ها می‌‌گویند مئونه سنه صدق می‌‌کند، ‌اصلا مئونه امسال شما این است، این مقدار پس‌انداز داشته باشی، این مقدار سرمایه داشته باشی، پول پس‌انداز کنی که بعدا خانه بخری. برخی مثل آقای زنجانی می‌‌گویند اصلا مئونه سنه لازم نیست که ما هم این را عرض می‌‌کردیم در بحث خمس، کجای ادله گفته مئونه سنه، گفتند مؤونته، مئونه انسان، طرف باید سال‌ها پس‌انداز کند بعد از صد سال آمار دادند بتواند یک آپارتمان بخرد، مؤونته این است، مؤونته نگفت مؤونة سنته، از کجا آوردید مؤونة‌ سنته؟ بله متعارف این بود که سال به سال مئونه‌ها را می‌‌سنجیدند چون قدیم کار می‌‌کرد کشاورزی می‌‌کرد در طول سال می‌‌خورد باز سال دیگر محصول کشاورزی‌اش را بدست می‌‌آورد در طول سال می‌‌خورد اما الان بعضی‌ها باید بروند خارج یک سال کار کنند برگردند کشورشان دو سه سال از آن پس‌انداز یک ساله‌شان استفاده کنند و زندگی بکنند، یا بعضی‌ها همین پس‌انداز بتواند هر ماه یک بخشی را کنار بگذارد تا بتواند بعد از چند سال یک موتور بخرد یا یک ماشین بخرد. مئونه سنه چه خصوصیتی دارد؟ مئونه است دیگر. حتی اگر ما نظر انقباضی را قائل بشویم بالاخره وقتی مئونه سال لازم نبود خب این مئونه سنوات آتیه که هست، بالاخره آخرش خرج نیازهای زندگی خواهد شد، امسال خرج نشده، سال دیگر خرج می‌‌شود، دو سال دیگر خرج می‌‌شود، ‌چکار کند این بیچاره؟ و ما در بحث خمس همین مبنا را اختیار کردیم، گفتیم مؤونه سنته از کجا؟

اما راجع به آن نظریه انقباضی یا انبساطی ما در بحث خمس تمایل داشتیم به همین نظریه انقباضی منتها می‌‌گفتیم اختصاص به مئونه امسال ندارد، ولی باید پس‌انداز کنی تا سال‌های بعد خرج زندگی بکنی، اما این‌که نمی‌خواهد هیچ وقت خرج زندگی بکند این سرمایه این مغازه اگر نباشد منقصت است در زندگی‌اش، این را تشکیک می‌‌کردیم در صدق مئونه و می‌‌گفتیم اجمال دارد لفظ مئونه و رجوع می‌‌کنیم به عمومات خمس. اما کسانی که اجمال مخصص را موجب اجمال عام می‌‌دانند مثل آقای زنجانی باید بگویند به دلیل خمس هم نمی‌شود تمسک کرد ما چون رجوع می‌‌کنیم به عام منفصل می‌‌گوییم صدق مئونه مشکوک است بر این‌که مغازه اگر نداشته باشد در میدان تجریش منقصت حساب می‌‌شود، پدرش پول‌دار بوده، پدرش در همان‌جا مغازه داشته این اگر بخواهد در محلات پایین تهران مغازه بزند اصلا در فامیل منقصت است برایش دختر به این سادگی به او نمی‌دهند، ‌جواب سلامش را درست نمی‌دهند همه با یک چشم دیگر به او نگاه می‌‌کنند این منقصت است ولی معلوم نیست مئونه باشد چون ما در صدق مئونه آن اجمالی که در بحوث فی الخمس ادعا کردند در ذهن ما هم هست. اما فرق ما این است که مئونه را مختص به مئونه سنه نمی‌دانیم مثل آقای زنجانی، نه، پس‌انداز می‌‌کند بیچاره چکار کند چند سال باید پس‌انداز کند بتواند یک موتور بخرد این عرفا مؤونته هست.

پس نظر اول که مربوط به خمس سرمایه از جمله سرقفلی است نظر آقای حکیم و آقای بهجت است که اگر نبود این سرمایه منقصت عرفیه و اجتماعیه حساب بشود این صدق می‌‌کند بر او مئونه و خمس ندارد. البته آقای حکیم فرمودند موردش نادر است اما الان به نظرم موردش دیگر نادر نیست، مخصوصا شرایط خانوادگی افراد هم فرق می‌‌کند.

[سؤال: ... جواب:] کی می‌‌گوید مئونه منصرف است به مئونه سال؟ افرادی که متعارف این است که هر سال، محصولات کشاورزی که سال به سال است، در می‌‌آورد همان سال می‌‌خورد بعد سال دیگر باز محصولات کشاورزی جدید می‌‌آید و می‌‌خورد این‌ها سال به سال حساب می‌‌کردند، اما بعضی از محصولات است که یک سال در میان بار می‌‌دهد. ... تجار چون متعارف این است که درآمدشان بیشتر از مخارج زندگی‌شان است او متعارف این است که سال به سال حساب می‌‌کنند آقای زنجانی او را قبول دارند ما هم قبول داریم. اما ببینید فرض این است کارمند است باید پس انداز کند تا بتواند ده سال دیگر یک ماشین بخرد بیست سال دیگر یک خانه بخرد این دیگر مئونه زندگی‌اش است دیگر، ‌مؤونته یعنی مئونه زندگی این شخص، مئونه‌اش این است دیگر. عرض کردم بعضی‌ها می‌‌روند یک سال کار می‌‌کنند در کشورهای خلیج، ‌قبلا این‌جور بود، حالا به پول خلیجی یک مقدار پول بدست می‌‌آورد بر می‌‌گردد زن و بچه‌اش این‌جا، یک سال کار می‌‌کند می‌‌آید یک سال دو سال می‌‌خورد، باز دومرتبه می‌‌رود یک سال کار می‌‌کند می‌‌آید یک سال دو سال می‌‌خورد این مئونه‌اش با این درآمدش یر به یر می‌‌شود، اگر واقعا جوری است که بطور متعارف، این‌طور نیست که سال به سال بیاید، باید یک سال بخرد دو سال استفاده کند، حالا یا پولش را نگه دارد یا برنج را نگه دارد مئونه این شخص این مقدار برنج است دیگر.

پس قول اول این بود که اگر نبود سرمایه مثل مغازه‌ای که حالا یا ملکش است یا سرقفلی است منقصت اجتماعی است خمس ندارد.

قول دوم قول شیخ انصاری و میرزای قمی است که اگر نیاز زندگی‌اش به این است که این سرمایه را سرمایه کسب قرار بدهد نیاز زندگی‌اش به این است که رانندگی کند، ‌یکی از شغل‌های رانندگی است، ‌می‌رود 800 ملیون یک ماشین می‌‌خرد با او کار کند، عرفا این ماشین مئونه است، شیخ انصاری و میرزای قمی می‌‌گویند و لو 800 ملیون را اگر بخواهد خرج کند بیشتر از مخارج یک سالش است، مهم نیست، مهم این است که عرفا چون کارکردن با این ماشین راه درآمد زندگی‌اش است به این می‌‌گویند مئونه. آن مغازه‌ای که خریده یا سرقفلی‌اش را خریده آن هم همین‌جور است.

قول سوم قول امام هست. امام فرمودند: اگر خمس این مغازه یا خمس این سرقفلی را بدهد با تتمه‌اش می‌‌تواند کار آبرومندی بکند خمسش را بدهد ولی اگر یک مغازه‌ای است سرقفلی‌اش فرض کنید ده میلیارد می‌‌ارزد بخواهد دو میلیارد خمس بدهد با هشت میلیارد، دیگر مغازه مناسب شأنش نمی‌تواند تهیه کند کار مناسب با شأنش نمی‌تواند بکند لازم نیست خمس بدهد چون عرفا می‌‌شود مئونه.

به نظر ما با این‌که آقای سیستانی این نظر را قبول دارند ولی یک حاشیه‌ای زدند آن حاشیه کار را سخت کرده که عرض خواهم کرد، به نظر ما این نظر اشکال دارد. اگر می‌‌خواهند مئونه صدق می‌‌کند بر این مغازه‌ای که سرقفلی‌اش را خریده یا ملکش را خریده اصلا خمس به آن تعلق نمی‌گیرد چرا قید می‌‌زنید اگر خمسش را بدهد با تتمه آن نمی‌تواند کار مناسب‌ شأن بکند اصلا بتواند با تتمه آن کار مناسب ‌شأن بکند. اگر مئونه صدق می‌‌کند خمس ندارد اگر مئونه صدق نمی‌کند خمس دارد.

[سؤال: ... جواب:] این مغازه مئونه است یا نه؟ بالاخره حداقل چهار پنجم این مغازه مئونه است، چون بخواهد یک مغازه دیگر هم تهیه کند چهار پنجم پول این مغازه را باید بدهد یک مغازه دیگر تهیه کند پس به اندازه چهار پنجم این مغازه مئونه است چرا خمس آن چهار پنجم را بدهد؟‌ فوقش خمس مازاد را بدهد که می‌‌گویید اگر آن مازاد را هم نداشت مهم نبود، به اندازه مثلا ده میلیارد که این مغازه می‌‌ارزد ولی هشت میلیاردش نیاز است می‌‌تواند مغازه بغلی را که کوچک‌تر است با هشت میلیارد بخرد پس به اندازه هشت میلیارد مئونه است اما امام می‌‌فرماید اگر این مغازه ده میلیارد می‌‌ارزد دو میلیاردش را خمس بدهد یعنی هیچ چیز آن مئونه نیست. ما اشکال‌مان این است.

این‌که آقای سیستانی یک حاشیه‌ای دارند، آن حاشیه را رفقای ما خراب‌کاری کردند این حاشیه زده شد!!‌ گفتند شما که فرمودید کسی که مغازه‌ای دارد که نمی‌تواند خمسش را بدهد و بعد کار مناسب شأنش بکند، خیلی‌ها دست‌گردان بکنند اقساطی می‌‌توانند خمس بدهند، ایشان هم فرمود اگر اقساطی می‌‌توانند بدهند خب بدهند. کی اقساطی نمی‌تواند خمس بدهد؟ همه اقساطی می‌‌توانند خمس بدهند، ‌مگر یک کسی که بگوید اصلا اقساطی هم من نمی‌توانم خمس بدهم آن‌جا می‌‌شود من اعوزه شیء من حقی فهو فی حل.

[سؤال: ... جواب:] هر چقدر می‌‌تواند بدهد. اگر هیچ چیز نمی‌تواند خمس بدهد و لو با دست‌گردان شاید از باب من اعوزه شیء من حقی فهو فی حل [باشد].

این هم قول سوم. قول چهارم قول آقای خوئی است، آقای خوئی فرمودند: اول به من بگو مئونه‌ات چقدر است؟ می‌‌گوید مثلا: صد ملیون، یک سال صد ملیون، می‌‌گوید شما چقدر پول داری؟ می‌‌گویید دویست ملیون می‌‌خواهم بروم با این دویست ملیون یک پراید بخرم، مسافرکشی بکنم، در طول سال صد ملیون انشاءالله در می‌‌آورم از این پراید. آقای خوئی می‌‌گویند این پراید صد ملیونش خمس ندارد. چرا؟ برای این‌که شما به صد ملیون این پراید نیاز دارید در زندگی، چه خودش را خرج کنی چه بروی پراید بخری از سودش خرج کنی، دقت کردید؟ قول چهارم این است که آقای خوئی می‌‌گویند آن مقدار که نیاز به آن داری در زندگی امسالت که صد ملیون است به آن اندازه از سرمایه‌ات لازم نیست خمس بدهی، همان سرقفلی مغازه دویست ملیون دادی سرقفلی خریدی، پانصد ملیون مخارج زندگی‌ات است به اندازه صد ملیون از این سرقفلی مغازه خمس ندارد. چرا؟ برای این‌که شما صد ملیون نیاز داری زندگی‌ات را تامین کنی، پول دیگری که نداری، یا باید این دویست ملیون را بگذاری کنار مدام خرج کنی تمام بشود، یا این است که بروی مغازه بخری سرقفلی مغازه بخری از سود سرقفلی مغازه کار کنی خرج زندگی‌ات را در بیاوری، ‌پس به اندازه صد ملیون مئونه است.

[سؤال: ... جواب:] آقای خوئی فرموده این صد ملیون پس مئونه شماست، چه خودش را بخوری که به قول شما عقلایی نیست، آقای خوئی هم نمی‌گوید این کار را بکن، ‌می‌گوید این مئونه است حالا یک کسی خودش را می‌‌خورد تمام می‌‌کند یک کسی می‌‌رود این صد ملیون را با صد ملیون دیگر یک مغازه‌ای سرقفلی‌اش را می‌‌خرد کار می‌‌کند از سود مغازه زندگی می‌‌کند. پس به اندازه صد ملیون مئونه هست، یعنی این دویست ملیون که داری با او رفتی سرقفلی مغازه خریدی یا ماشین خریدی صد ملیونش خمس ندارد.

[سؤال: ... جواب:] پول رهن را می‌‌گوید خمس دارد. ... حالا ما بحث پول رهن بکنیم؟ شما فتوای آقای خوئی را سؤال کردید ایشان می‌‌گویند پول رهن خمس دارد. چون شما طلبکارید از صاحبخانه، صد ملیون را دادید به صاحبخانه آخر سال آن صد ملیون را طلبکارید آنی که در ذمه او مالکید متعلق خمس است. اما این‌جا به کسی طلبکار نیستی، صد ملیون مئونه زندگی بود می‌‌توانستی صد ملیون را خرج کنی می‌‌توانی مغازه با آن بخری از سودش زندگی بکنی این صد ملیون مئونه است.

اشکال شده ما هم اشکال کردیم در بحوث فی الخمس هم اشکال کردند، گفتند: من اگر این صد ملیونی که شما می‌‌گویید بخورم خب صرف در مئونه شده اما اگر نگه دارم سودش را خرج زندگی بکنم یعنی من صد ملیون که مغازه خردیم، صد ملیون نصف مغازه می‌‌شود صد ملیون دیگر که خود آقای خوئی می‌‌گوید خمس دارد، همان صد ملیون نصف پول مغازه، آن را ربح است دیگر، ربح بود، صد ملیون هم که از این مغازه سود کردم پس مجموعا امسال سیصد ملیون دارم، دویست ملیون که اول سال سود داشتم بعد در طول سال هم چون مغازه خریدم صد ملیون درآمد داشتم آخر سال می‌‌گویم من امسال درآمدم سیصد ملیون بود، مئونه‌ام صد ملیون بود، صد ملیون را از سیصد ملیون کم بکنیم دویست ملیون می‌‌شود ربحی که صرف در مئونه نشده. آقای خوئی می‌‌گوید شما دویست ملیون را خمس نده، ‌صد ملیون را که خوردی صد ملیون هم مئونه‌ات است که رفتی با آن مغازه خریدی.

[سؤال: ... جواب:] آن صد ملیونی که کنار آن صد ملیون دیگر گذاشتی رفتی مغازه خریدی آقای خوئی آن صد ملیون را هم می‌‌گوید مئونه. مئونه من صد ملیون بود امسال دویست ملیون خمس نمی‌دهم به فرمایش آقای خوئی چون صد ملیون گفت از سود مغازه خمس نده چون یا خودش را بخوری خمس ندارد مئونه است یا بگذاری در مغازه از سودش استفاده کنی مئونه است. صد ملیون هم که سود کردم خرج کردم او هم خمس ندارد یعنی بابت مئونه صد ملیون دویست ملیون آقای خوئی می‌‌گوید خمس نده.

اصلا شما فرض کنید مغازه را هم صد ملیون خریدم. آقای خوئی می‌‌گوید اصلا خمس نده. صد ملیون زندگی‌ام خرج دارد صد ملیون هم مغازه را خریدم آقای خوئی می‌‌گوید اصلا خمس نده. چرا؟ برای این‌که آن صد ملیونی که رفتی مغازه را خریدی با آن اگر نمی‌خریدی خرج زندگی‌ات می‌‌کردی تمام می‌‌شد. حالا عقل کردی رفتی مغازه خریدی صد ملیون کار می‌‌کنی آن‌جا صد ملیون سود کردی عرفا آن پول مغازه مئونه است. می‌‌گوییم آقای خوئی! من مئونه‌ام صد ملیون است من امسال دویست ملیون درآمد داشتم صد ملیون اول که مغازه را خریدم صد ملیون هم که با او کار کردم در این مغازه بدست آوردم دویست ملیون درآمد داشتم شما می‌‌گویید همه‌اش مئونه است با این‌که صد ملیون بیشتر مئونه زندگی‌ام نبود.

[سؤال: ... جواب:] خرج کرد دیگر در زندگی‌اش. آقای خوئی می‌‌گوید صد ملیونی که از این مغازه بدست آوردی کار کردی این‌که صرف در مئونه شد، این‌که خمس ندارد، صد ملیون هم که مغازه را خریدی، او هم مئونه است، حالا فرض کردیم مغازه را صد ملیون خریدی نه بیشتر، ‌او هم مئونه است، چرا؟ برای این‌که تو برای مئونه زندگی‌ات نیاز داری به این صد ملیون می‌‌توانستی این صد ملیون را مغازه نخری مستقیم خرج زندگی‌ات کنی منتها عاقلانه نبود حالا رفتی مغازه خریدی از سودش صرف در مئونه کردی، عرفا آن صد ملیون پول مغازه مئونه است. اشکال این است: آقای خوئی!‌ آن صد ملیون ربح بود؟ ربح بود. صد ملیون هم که از مغازه بدست آوردم ربح بود پس امسال ربح من چقدر است؟ دویست ملیون. حالا اصلا قیمت مغازه را گفتیم صد ملیون، حساب کردیم صد ملیون هم خرج زندگی، دویست ملیون، ولی مئونه‌ام صد ملیون است شما دوبرابر آن استثنا کردی گفتی خمس نده، این‌ها عرفیت ندارد.

و لذا به نظر ما سرمایه خمس دارد مطلقا و لو نبودش منقصت عرفیه باشد، فقط ما مئونه سنه را لازم نمی‌دانیم استثنا بشود، نه، مطلق مئونه زندگی استثنا می‌‌شود، این تسهیل را ما قائلیم.

[سؤال: ... جواب:] برود مغازه بخرد، خمسش را هم بدهد. .. حالا آن وقت می‌‌گوییم اگر زندگی‌ات نمی‌چرخد با خرید مغازه کوچک‌تر هم نمی‌توانی آبرومندانه زندگی کنی دست‌گردان می‌‌کنیم خمس را با شما، اقساطی به ما بده. حالا اگر می‌‌گوید من یک ریال هم نمی‌توانم بدهم، ولی شوخی است، حالا یکی می‌‌گوید نمی‌توانم بدهم، ‌اگر واقعا نمی‌تواند بدهد ما بعید نمی‌دانیم اگر تا آخر عمرش هم نمی‌تواند بدهد این دیگر خمس بر او واجب نباشد همان‌طور که آقای سیستانی می‌‌گوید، از باب من اعوزه شیء من حقی فهو فی حل منه، من به نظرم این بر خلاف فرمایش آقای خوئی که قضیه خارجیه می‌‌داند می‌‌گوید امام علیه السلام تحلیل کرد بر شیعه در زمان خودش، هر کسی ندارد بدهد حلالش کردم، بخشیدم به او، اما آقای خوئی می‌‌گوید ربطی به زمان غیبت ندارد، من به نظرم عرفا من اعوزه شیء من حقی فهو فی حل منه بعید نیست که قضیه حقیقیه تلقی بشود، حقی در روایات دیگر چون حق امام است تعبیر می‌‌کند حقی.

[سؤال: ... جواب:] بله اگر در طول زندگی‌اش ندارد خمس بدهد و لو به نحو اقساطی ما او را مشمول من اعوزه شیء من حقی فهو فی حل منه می‌‌دانیم، ‌لازم نیست چون عرفا این آقا من اعوزه شیء من حقی هست، خمس بر او حلال شده. ولی اگر می‌‌تواند اقساطی بدهد باید بدهد. در واقع این فرمایش آقای سیستانی را ما با تمسک به این روایت شریفه من اعوزه شیء من حقی فهو فی حل منه تایید کردیم منتها همان‌طور که آقای سیستانی هم توضیح دادند اولش می‌‌آییم دست‌گردان می‌‌کنیم به ذمه‌ات منتقل می‌‌کنیم دست‌گردان یعنی به ذمه‌ات منتقل می‌‌کنیم می‌‌گوییم من یک راننده تاکسی هستم اگر این تاکسی را خمسش را بدهم اصلا نمی‌توانم کار دیگر بکنم، می‌‌گوییم اقساط بده می‌‌گوید خداییش آخر ماه همیشه ما نان پنیر می‌‌خورد، پول‌مان نمی‌رسد، می‌‌گوییم شما حالا دست‌گردان می‌‌کنیم به ذمه‌ات منتقل می‌‌کنیم بلکه ان‌شاءالله اوضاعت خوب بشود، ‌حالا اگر نمی‌توانی اقساط بدهی تا زمان وفات فهو فی حل. ... بنزین و استهلاک ماشین مئونه تحصیل ربح است او حسابش جداست او خمس ندارد. ... فرض این است که این ماشین بعد از استهلاک سالیانه باید یک قیمتی دارد، بالاخره این ماشین که یک سال کار کند قیمتش مشخص است، او استهلاکش مئونه تحصیل ربح است، قبول، ‌اما ما بعد الاستهلاک یک قیمتی دارد، فرق می‌‌کند با بنزین، بنزین استهلاک پیدا کرد دیگر چیزی نمی‌ماند.

این راجع به این مسأله. کلام واقع می‌‌شود در ارث سرقفلی که بحث ندارد، ‌حالا سرقفلی را ان‌شاءالله بحث ارثش را، ‌البته می‌‌گوید بحث ندارد بحث یک جلسه‌ای دارد، ان‌شاءالله هفته دیگر در حد یک جلسه بحث می‌‌کنیم ببینیم اصلا واقعا سرقفلی ارث است یا آنی که آقای خوئی می‌‌گوید جعل حق است از مالک این مغازه برای این شخص ابتدائا و برای ورثه او در طول، و ارث نیست و باید یک بار پدر خمس بدهد بار دیگر ورثه او خمس بدهند چون ارث نیست به نظر آقای خوئی یا به نظر برخی دیگر و ببینیم این یک بحث که آیا ارث است و خمس ندارد، احکام ارث بار می‌‌شود یا طبق توجیه مثل آقای خوئی اصلا ارث نیست و زن از سرقفلی ارث می‌‌برد یا نمی‌برد، این دو تا بحث را اگر فرصت شد هفته آینده ان‌شاءالله که آخرین هفته درسی قبل از ماه رمضان است بحث می‌‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.